

تأملاتی در روش‌شناسی مطالعات پدیده جنگ

گروه پژوهش فصلنامه

اشاره: در راستای خط‌مشی که در زمینه پرداختن به موضوع ماهیت گفت‌وگوهای جنگ در پیش گرفته‌ایم در این بخش متن سخنرانی آقای علیرضا کمره‌ای را درباره روش‌شناسی مطالعات جنگ درج می‌کنیم. آقای کمره‌ای از جمله افراد صاحب‌نظر و فرهیخته در حوزه مطالعاتی ادبیات جنگ است که تاکنون در این زمینه مسئولیتهای متعددی را برعهده گرفته‌اند که حاصل آن تألیف و نگارش دهها جلد کتاب و مقاله و راه‌اندازی چندین مجموعه فرهنگی در زمینه فرهنگ جبهه و جنگ است. ایشان در حال حاضر مسئول واحد پژوهش دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی هستند و در این سمت خدمات ارزنده‌ای را در عرصه فرهنگی دفاع مقدس انجام داده‌اند. ضمن آرزوی توفیق برای جناب آقای کمره‌ای، امیدوارم درج این مطلب، مورد توجه خوانندگان علاقمند به این‌گونه مباحث قرارگیرد.

و گریشمن در زمینه تاریخ باستان به کار بستند، الگوی محققان دانشگاهی باشد. هنوز هم درباره جغرافیایی تاریخی ایران کار لسترنج برای ما حجت بی‌بدیل است. کار مفصل دانشگاه کمبریج درباره تاریخ ایران - که نیمی از آن ترجمه شده - مشتی از خروار این گونه پژوهش‌هاست که شرح تمامی آنها مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد، حتی درباره مطالعه تاریخی و فرهنگی انقلاب اسلامی نیز آنها پیشگام بوده‌اند؛ موضوعی که در مورد مسئله جنگ نیز صادق است و همچنان نیز ادامه دارد. برخی از این محققان دانشجو به ایران می‌آیند و گاه، به ما مراجعه می‌کنند. سال پیش، دختر خانمی ایتالیایی الاصل، برای بررسی جنبه‌های مردم‌شناسی جنگ بر مبنای نقاشیهای دیواری به دفتر ما آمد و به جد، دنبال یافتن نقاشیهای محو شده جنگ بود و از آن واقعه شوم هم خبر داشت. می‌دانید کدام واقعه را می‌گوییم؟ محو و نابودی بزرگ‌ترین نقاشی دیواری جنگ در دانشگاه تهران! نمی‌دانم چند نفر از شما بزرگواران از این موضوع آگاه هستید. این دیوارنگاره مفصل‌ترین و بزرگ‌ترین نقاشی جنگ بود که آقای کفشچیانی طی سه سال در مساحتی بالغ بر هزار متر مربع

یکی از استادان دانشگاه تهران که بیش از دودهمه در کشور فرانسه، علوم اجتماعی تدریس کرده است، به من می‌گفت، انقلاب ایران و جنگ هشت ساله مانند آزمایشگاهی مملو از موضوعات و پرسشهای قابل تحقیق است و بسیاری از دانشجویان و پژوهندگان غربی، مشتاق پیگیری این مسائل و آمدن به ایران هستند. می‌دانید که انقلاب و جنگ بستر تولید علم و نظریه است؛ واقعیتی که هنوز ما به وجود و اهمیت آن وقوف مقدماتی هم پیدا نکرده‌ایم. این را نیز بدانید که اگر پرسشها و موضوعهایمان به دست خود ما دیده، دانسته و تشریح نشوند، اغیار این کار را خواهند کرد. بعید نیست که بعدها - و البته، نه چندان دور - تمناکنان و پراسان پراسان، به دنبال شناخت و مصرف مطالعات دیگران باشیم تا ما را به ما بشناسانند. تلخ‌کامانه، باید گفت این وضع در زمینه مطالعات تاریخی، ادبی و فرهنگی در سده‌های اخیر رخ داده است. کافی است بدانید روش تصحیح و بازشناخت متون ادبی را امثال ادوارد بروان به ما آموختند. نیکلسون بهترین نسخه مصحح مثنوی را و برتلس روسی جامع‌ترین تدوین شاهنامه فردوسی را فراهم آورده است و شیوه‌ای که امثال کلمان هوار

جنگ و دفاع مقدس افزون بر ساحت تاریخی اش، به وجود ویژگی دیگری دلالت و اتکا دارد که آن را از وجه تاریخی اش بسیار وسیع تر و کثیرالاضلاع تر می کند؛ این جنبه بسیار مهم، وجه انسانی جنگ است؛ این ویژگی برخلاف ویژگی تاریخی جنگ، محصور و معطوف زمان و مکان واقعه و شناخت آنچه گذشت، نیست

لایه های زیرین خاک قرار می گیرد، به سبب نبود هوا، نور، دست نخوردگی و پوشش فراگیر و فشرده خاک، به طور طبیعی، محفوظ می ماند، اما به محض اینکه آن را از دل خاک بیرون آورند، اگر مواد آلی داشته باشد، به سرعت، در معرض تغییرات شیمیایی و نابودی قرار می گیرد. کاوشگران خبره، افزون بر اینکه قوانین گمانه زنی و کاوش را می دانند، از این مسئله نیز آگاهند و فوراً، شی یافته را در شرایط مناسب نور، رطوبت، هوا و... قرار می دهند. هوا خوردگی دینه ها و محو و نابودی آثار باستانی آن زمان بیشتر اتفاق می افتد که به جای باستان شناس، قاچاق چیان آثار باستانی برای منافع خود دنبال زیر خاکی می گردند.

۱) جنگ هشت ساله و دفاع مقدس، رخدادی بوده با دیدگیها و معرفه های ویژه که در قلمرو جغرافیایی معلوم و مقطع زمانی مشخصی آغاز شده، به وقوع پیوسته و پایان گرفته است. البته، واژه جنگ، را نباید با دفاع مقدس - به حسب معنی و مفهوم و دلالت هایشان - معادل یکدیگر دانست، اما ما در اینجا، به مسامحه، این دو کلمه و تعبیر را مساوی و مکمل یکدیگر به کار می بریم. به هر حال، این رخداد یا واقعه از منظر تاریخی و تاریخ نگاری در سه بُرش تقسیم پذیر است: زمینه ها و مقدمات رخداد، متن و اصل واقعه، پیامدها و آثار. معمولاً، در شگردهای متعارف تاریخ نگاری (از جمله تاریخ نگاری تحلیلی، نقلی و روایی، ترکیبی و تألیفی) بدین سه برهه توجه می شود، اما اهل تاریخ می دانند که تأکید و توجه همه جانبه در تاریخ نگاری، به شناخت و باز یافت متن و اصل واقعه معطوف است. بحث درباره تاریخ نویسی و تاریخ نوشته های موجود جنگ و ریز موضوعات و متفرعات آن، طرح مسائل متعددی را موجب می شود که ورود بدانها به

بر دیوار سالن ورزشی دانشگاه تهران کشیدند و آن را در سال هفتاد به پایان بردند. در رونمایی این اثر بی نظیر، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت و برخی از مقامات دیگر نیز حضور داشتند، حتی خبرنگاران خارجی هم از آن دیدن کردند. سال ۱۳۸۱، یکی از مسئولان دانشگاه روی این نقاشی رنگ روغن کشید و آن را به طور کلی از بین برد و هیچ کس هم اعتراض نکرد. متولیان رسمی و نیمه رسمی و تبلیغگران جنگ و دفاع مقدس هم نفهمیدند چه شد و شاید هم از اصل ماوقع آگاه نشدند. باید عرض کنم اگر هولناک تر و مخرب تر از این ماجرا اتفاق بیفتد، بازسازی مزار شهداست که اخیراً، یکی از مسئولان جدید الانتصاب در مصاحبه ای آن را مطرح کرده و پیش از این نیز در چند جا اجرا شده است. لابد می دانید که مزار هر شهید، مانند اثر بی نظیری، ارزش شناسه ای و فرهنگی دارد و نمی توان بی محابا آن را دگرگون کرد. شنیده ام قصد دارند تمامی سنگ مزار شهدا را بردارند و آنها را یکدست و یک اندازه و یک رنگ بسازند؛ چیزی شبیه به قبرستان قربانیان جنگ در کشورهای اروپایی. همان طور که می دانید مزار شهدای یک مجموعه، هم بسته میراثی و فرهنگی است و هر نوع دخل و تصرف در آن، اعتبار و اصالتش آن را مخدوش می کند. البته، این به معنای رها کردن و به فرسایش سپردن آنها نیست. در اینجا، قصد ندارم با نقل ندانم کاری ها، ناشیگریها و شتابگریها تلخ کامی خود را به شما منتقل کنم و بگویم در سالهای پس از جنگ، موارث فرهنگی، تاریخی، ادبی و هنری دفاع مقدس ما چگونه و تا کجا لطمه دیده و دست به دست و زیر و زبر شده است. این اتفاقی را که افتاده و معلوم اهل ظاهر نیست، می توان با اصطلاح باستان شناسی هوا دیدگی تا حدی توضیح داد؛ هنگامی که یک شیء در

وقت آن است که با گذر از مرحله تبلیغ به معنای متعارف و مرسوم به مرحله تبیین و تحقیق و تحلیل فکر رسید؛ آنچه در نگره مطالعات تاریخی، به ویژه مطالعات فرهنگی متصور است و به دست می آید، بدون طی طریق از این مراحل ممکن نخواهد بود

گفت و گوهای دیگری نیاز دارد، و موضوع مورد نظر من در نکته نخست متوجه این مسائل نیست. غرض اینجانب در نکته نخست این است که بگویم این واقعه، یعنی جنگ به ملاحظه آن سه مرحله و بُرش، شأنیت و موضوعیت تاریخی و بالتبع، مطالعات تاریخی دارد. به گمان من، درک درست و دقیق این موضوع، امر بسیار مهمی است که هنوز بدان توجه بسزایی نشده و ابعاد و ادله آن مکتوم مانده است. دریافت دقیق این نکته، بر تاریخ پژوهی و تاریخ شناسی جنگ مبتنی است.

۲) جنگ و دفاع مقدس افزون بر ساحت تاریخی اش، به وجود ویژگی دیگری دلالت و اتکا دارد که آن را از وجه تاریخی اش بسیار وسیع تر و کثیرالاضلاع تر می کند. این جنبه بسیار بسیار مهم، وجه انسانی جنگ با تمامی ملاحظات و مؤلفه هایش است. مقصود از واژه انسان و انسانی تنها توجه به ظرفیت وصفی و ارزشی واژه نیست، بلکه مطلق کلمه مد نظر است. این ویژگی خلاف ویژگی تاریخی جنگ، محصور و معطوف زمان و مکان واقعه و شناخت آنچه گذشت، نیست، حتی به بُرش سوم نگاه تاریخمندانه، یعنی بررسی پیامدها نیز محدود نمی شود. در مقام مقایسه ناقص شاید بتوان گفت ساحت تاریخی جنگ به عرصه آفاقی آن و وجه انسانی اش به گستره انفسی آن می پردازد. باید دانست که وجه انسانی در حبس و حصار زمان و مکان نمی ماند، یعنی فرازمانی و فرامکانی است. از دید متألهانه و حکمی، این معنی در تعبیر امام علی (علیه السلام)، بازتاب یافته که آدمی را جهانی کبیر در پیچیده به جرمی صغیر خوانده اند. این ساحت و گستره با مطالعات علمی و روشمند، زیر عنوان مطالعات فرهنگی دیده و شناخته می شود. مستندات مکتوب جنگ و

دفاع مقدس که از آن می توانیم با عنوان ادبیات به معنی اعم هم یاد کنیم (مانند نامه ها، دست نوشته ها، یادداشتها، وصیت نامه ها، خاطرات و...) بخشی از مواد اولیه ورود به مطالعات فرهنگی را فراهم می آورند؛ زیرا، بر وجوه انسان شناختی جنگ دلالت دارند. درباره دو نکته یاد شده، به عنوان مکمل و حاشیه بحث، باید بدین موضوع هم توجه کرد که اصولاً، مطالعات تاریخی و تاریخ نگاشته های جنگ ما را از اکنون خود به گذشته (گذشته سپری شده) می برد و مطالعات فرهنگی افزون بر این رفت تاریخی، ما را از گذشته به اکنون می آورد.

نگره مطالعات فرهنگی، رویکردی میان رشته ای - و به تعبیر برخی، فرارشته ای - است و از تلفیق مسائل مربوط به حوزه های زبان شناسی، جامعه شناسی (و به طور کلی تر، علوم اجتماعی)، ادبی، تاریخی، فلسفی و حتی هنری حاصل می شود.

اگر قدری تعقلی به موضوعات بنگریم، باید گاهی چیزهایی بشنویم و به اموری فکر کنیم که با عاداتهای ذهنی و سلیقه ای ما همخوان نباشد. می خواهم عرض کنم آنچه از حاصل مطالعات فرهنگی مراد و منظور است، به معنی کارهای انجام شده در عرصه ادبیات جنگ نیست، هرچند این کارها در جای خود، محل اعتنا و اعتبارند، حتی پژوهشهای ادبی و فرهنگی (و نیز شبه پژوهشهای ادبی و فرهنگی) با آنچه در روند مطالعات فرهنگی متحقق و متوقع می تواند بود، نسبت چندانی ندارند. عمده تولیدات ادبی - فرهنگی به معنای متعارف جنگ و برآمده نهادهای شناخته شده و گنگره های بزرگداشت سرداران شهید، تداوم بخش جریان غالب و سلیقه مسلط زمان جنگ هستند و در زمره ادبیات تبلیغی و تبلیغات ادبی جای می گیرند. این شیوه در زمان خود، محمل تولید و عرضه داشته است. این روش معهود و هم اکنون مرسوم، افزون بر تولیدات مکتوب، بر ساخته های تصویری رسانه ای - به ویژه تلویزیون - نیز حاکم است. به گمان اینجانب، شاید بتوان گفت تقریباً، دوره نگاه و بیان تبلیغاتی موسمی، مناسبتی و مرسوم به جنگ - به عنوان معرف این رویداد - به پایان رسیده است و اصرار بر تداوم آن به طور تصاعدی، ما را از دست یابی به معرفت جویی و شناخت راستین از رهگذر دانشوری و روشمندی دورتر خواهد کرد و امکانات و موقعیتهای موجود و در حال گذار و گذر را از دست ما خواهد گرفت. آثار و تولیدات تبلیغاتی شبه فرهنگی و ادبی ویژگیهایی دارند، از آن جمله اینکه از نظر دلالت و معنی بر مفروضات و موضوعات سپری شده - و نه به اکنون

سپاه در بخش تاریخ نگاری جنگ توانست از همان آغاز با تأسیس دفتر سیاسی، منابع و مدارک مستند جنگ را فراهم آورد، به گمان من، یکی از دلایل توفیق نسبی سپاه در کار تاریخ نگاری جنگ توجه به همین موضوع، استمرار و تداوم مجموعه مسئول و توجه و تلاش برای عبور از مرحله تبلیغ به تحقیق بوده است

به ویژه (مطالعات فرهنگی) متصور است و به دست می آید، بدون طی طریق از این مراحل ممکن نخواهد بود. در فرایند تحقیق و تبیین، به لایه های زیرین و تو در توی این رویداد می توان نظر کرد؛ لایه هایی که در زیر ابر ضخیم تبلیغات از نظرها دور مانده است. در این صورت، مسائل موضوعه فرهنگ شناختی - و از آن جمله ادبیات جنگ - از حلقه بسته کنونی بیرون خواهد آمد و پیوستگی آن به فرهنگ و ادبیات کهن و معاصر مادیده خواهد شد، بلکه حیثیت منطقه ای - اگر بر اغراق حمل نشود - جهانی آن آشکار خواهد گشت. حقیقتاً، فرهنگ ما و نیز آنچه ذیل مطالعات فرهنگی جنگ و دفاع مقدس امکان و بایستگی پیدایی دارد، کارگاه پرسش و معناست. اگر موضوع شناسانه و به دید مسئله یابی این دوران بررسی شود، زمینه های آشکارگی نظریه و اندیشه را خواهیم دید؛ این موقعیت را باید قدر دانست و دست کم نگرفت، تحول در علوم انسانی و حتی نجات یافتگی از جریان انفعال و ترجمه، در نهادهای مطالعاتی و علمی از این ماده مواد شدنی است.

ورود به افق مطالعات فرهنگی، کار متذوقان، پاره وقتان، دم غنیمتیها، فرصت جوینان و پراکنده کاران نیست. واقعاً، ورود بدین وادی به تجربه، تخصص و سلامت روح نیازمند است. در گذشته، علمای فقه و حدیث، به شاگردان به اجتهاد رسیده خود برای نقل و روایت حدیث اجازه می دادند. این اجازه و جواز برای این بوده که امر نقل و روایت حدیث و حکم به دست اهلش سپرده شود. آن اجازه های چندخطی به مراتب، از مدارک امروزی ما غنی تر بوده و اعتبار بیشتری داشته است. همچنین، باید گفت که از امر آموزش و تربیت شاغلان این گونه فعالیتها غفلت شده و علت العلل این

رسیده - بنا شده اند، به عبارت دیگر، عهد زده اند و برای مخاطبان امروزی قابل فهم نیستند، بلکه شاید معنی ضد را به ذهنها متبادر کنند. چند شب پیش، شبکه دو تلویزیون فیلم مهاجر آقای حاتمی کیا را پخش کرد. فرزندان نوجوان و جوان من از دیدن صحنه ای که اسد در حالت خلسه، مهاجر خود را به پرواز کور می فرستاد، تعجب کردند و متوجه مقصود نمی شدند، حتی توضیح من آنها را خیلی قانع نکرد. می دانید که به مناسبت هفته جنگ، در بعضی از اداره ها و مسجدها تصویرهایی از پیکر خون آلود مجروحان و شهیدان در میدانهای مین و مناطق عملیاتی به دیوار نصب می کنند. تماشای این تصویرها احتمالاً، برای ما یادآور صحنه های با شکوه شجاعت و ایثار رزمندگان و تداعی کننده خاطرات گذشته است، اما این احساس رانمی توان از مشاهده کنندگان امروزی و جوانان جنگ ندیده، جنگ نرفته و خالی الذهن توقع داشت. به همین دلیل، شمار و دامنه مخاطبان منشورات و تولیدات جنگ و دفاع مقدس اندک است و رو به نقصان دارد و حاصل تولیدات موجود بیشتر در مجموعه های درون سازمانی، هیئت و خانوادگی مقبولیت می یابند. البته، باید گفت بسیاری از این کارها از روی خلوص و علاقه مندی و ساده انگاری صورت می گیرد و این ایراد به معنی خدشه وارد شدن بر حیثیت اصل کار و نیت پردازندگان آنها نیست. هرچند در این میان، کسانی هم هستند که به جلب مصالح و منافع خود توجه دارند. اظهار این حرفها به معنای اثبات خود و انکار دیگران نیست. حکایت دیدن آن کنایه ای است که راوندی در راحه الصدور و آیه السرور گفته و در اینجا به نقل آن نیازی نیست، بلکه به قول آن استاد زبردست تاریخ، گاهی لازم است که ما خود مشت و مالی هم بکنیم، یعنی به نقد کرد و کار خود پردازیم. معرفی شدن ادبیات جنگ و فرهنگ دفاع مقدس و غوطه خوردن آن در سیر موجود تبلیغاتی نزد بینندگان و خوانندگان، حتی دلزدگی را ایجاد می کند، کما اینکه، آن را از نظر اهل تمیز و دقت دور داشته است. در اینجا است که می توان گفت روال و روند تبلیغ به ضد خودش تبدیل می شود و حتی به ابتذال نیز می رسد؛ کز قضا سرکنگبین صفرا نمود، روغن بادام خشکی می فزود. ابتذال، یعنی بذل و بخشش بی دلیل و بی حساب و شمار، ریخت و پاش زیادی و اسراف که نمونه ها و جلوه های آن نیز کم نیست.

۴) وقت آن است - البته و قدری هم دیر شده - که با گذر از مرحله تبلیغ به معنای متعارف و مرسوم به مرحله تبیین و تحقیق و تحلیل فکر رسید. آنچه در نگره مطالعات تاریخی،

شاید بتوان گفت دوره نگاه و بیان تبلیغات موسمی، مناسبی و مرسوم به جنگ به پایان رسیده و اصرار بر تداوم آن به طور تصاعدی، ما را از دست یابی به معرفت جوئی و شناخت راستین آن دورتر خواهد کرد و امکانات و موقعیتهای موجود و در حال گذار و گذر را از دست ما خواهد گرفت

فهرست برداری، طبقه بندی و نوع شناسی، به شکل روشمند و علمی - با نظارت کاردانان، نه پای کاران - تنظیم و منتشر شود. این منابع و مدارک - که قسمت مهمی از آن را مکتوبات و اسناد (مستندات مکتوب) تشکیل می دهند - در نهادهای متعدد وجود دارند؛ از جمله در مراکز مختلف ارتش جمهوری اسلامی ایران، هلال احمر، بنیاد شهید، وزارت کشور، استانداریها و... نگاهبانان و دارندگان این اسناد باید بدانند که امانت دار این مجموعه ها هستند، نه مالک آنها. تصرف و تغییر در این اسناد - حتی در حد یک واژه - ناصواب و از نظر علمی، نقض غرض است. اگر بتوانیم - یا بگویم می توانستیم - در ذیل و مجموعه فرهنگستان مطالعاتی دفاع مقدس از گردآورده و گردآوری انبوه گوناگون مدارک، مرکز اسناد جنگ و دفاع مقدس داشته باشیم، با فراهم آمدن این مجموعه بی نظیر و ثروت ملی، بحارالانوار جنگ برای تفقه عالمانه و مطالعات فرهنگی دفاع مقدس و جنگ آماده می شد. در حال حاضر، بهتر است نهادهای دارنده اسناد و مدارک با نظام مشخصی داشته های خود را تنظیم و منتشر کنند. سپاه توانست تقریباً، در بخش تاریخ نگاری جنگ از همان آغاز با تأسیس دفتر سیاسی، منابع و مدارک مستند جنگ را فراهم آورد، به گمان من، یکی از دلایل توفیق نسبی سپاه در کار تاریخ نگاری جنگ توجه به همین موضوع، استمرار و تداوم مجموعه مسئول و توجه و تلاش برای عبور از مرحله تبلیغ به تحقیق بوده است. این اتفاق مبارک، در زمینه کارهای فرهنگی و مشخصاً ادبیات جنگ در سپاه به وقوع نپیوست و دلایل آن نیز بر کار آشنایان واضح است و به بیان توضیح آن نیازی نیست.

کاستیها و کژیها، نبود نهاد متمرکز و متولی شایسته ای در این زمینه ها بوده است.

۵) ما خیلی وقت نداریم که بر مدار دور و تسلسل برویم، وقت آن است که با نگرش درست گذشته خود راه آینده مان را معلوم کنیم. برای آنکه گفته های من به نتیجه ای - ولو مُجمل و مُبهم - ختم بشود، به اختصار می خواهم بدین پرسش پاسخ بدهم که با ملاحظه شرایط و امکانات کنونی برای فرارس شدن مطالعات فرهنگی جنگ و دفاع مقدس و رسیدن به مرحله تحقیق، تبیین و تحلیل چه می باید و می توان کرد.

در مرتبه می باید، نقد وضع نظامات اجرایی و نهادهای مشغول و موجود ضروری است. باید حدود اختیارات، امکانات و توانمندیهای آنها دانسته شود. ... به گمان من، با وجود مراکز و دفاتر متعدد، وجود یک مرکز جامع و جدی علمی، برکنار از گرایش ها، پسندها و هیاهوهای سیاسی، سلیقه ای، نظامی، تبلیغاتی و... برای سامان بخشی و آغاز مطالعات فرهنگی ضروری است. احساس نبود این مرکز را سالها پیش در طرح تأسیس مجموعه ای با نام فرهنگستان مطالعاتی دفاع مقدس در یکی، دو جا به طور شفاهی و کتبی ارائه، در این باره با برخی از مسئولان و نام آوران علمی و فرهنگی نیز شخصاً، دیدار کرده ام. عملی شدن این کار، دلایل مفصلی دارد، اما مهم ترین آنها نبود باور و استعداد پذیرش و گوش شنوا است.

اما در مرحله می توان، آنچه امکان شدنش با ملاحظه وضع موجود وجود دارد، این است که منابع و مدارک و مستندات دوران جنگ، که بخشی از آنها در آرشیوهای متعدد و پراکنده سپاه به اشکال مختلف نگهداری می شود، پس از